

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

صبا راهی
۲۵ جنوری ۲۰۲۳

اوین ساخت شاه تبهکار

پیرامون نامه بهاره سلیمانی از زندان اوین

اوین "هنر" ستمگر سفاکی بود به نام محمد رضا پهلوی! او اوین را با راهنمایی های اربابانش بر این اصل بنا ساخته بود که به دلیل مجاورت با اتحاد جماهیر شوروی تک حزبی (البته او همانند اربابان جهانی اش به دلیل وحشت شان از انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ خودش تک حزبی شد و حزب فاشیستی رستاخیز را درست کرد و گفت هرکس که عضو آن نیست جایش در زندان است) تا در آنجا توسط شکنجه گران ساواک، که از لومپن ترین و ناآگاه ترین قشر جامعه به خدمت گرفته می شدند، کمونیست ها را تا سر حد مرگ با قرون وسطائی ترین شیوه ها شکنجه کنند تا شاید از آنان "شاه دوستان دو آتشه" بسازند! زهی خیال باطل! این شاه قاتل، که کمونیست هائی، با اندیشه های والای انسانی همچون **مرضیه اسکونی، مهرنوش ابراهیمی، سعید سلطانیپور، بیژن جزنی، مسعود احمدزاده کرامت دانشیان، و** که وجدان بیدارشان از اعمال ستم های ظالمانه و غارتگرانه سرمایه داری سلطنت در حق فروستان به درد می آمد، هر زمان که قدم در هر مکانی می گذاشتند آنجا را به دانشگاهی در جهت آموزش های تفکر انسان دوستانه کمونیستی شان بدل می ساختند!

چریکهای فدائی خلق ایران مشخصاً که با برپائی رستاخیز سپاهک به شاه دست ساز امپریالیستهای تا به دندان مسلح اعلام جنگ کردند. و در ۱۹ بهمن - دلو - ۱۳۴۹ خواب را برای همیشه از چشمان جلا دهنده شاه امریکائی انگلیسی ربودند و هشت سال تمام چه در اوین و چه در سراسر کشور ایران و خاور میانه، به **فرماندهی افسانه نی رفیق حمید اشرف، مبارزه بی امان و سازش ناپذیری شان** با حکومت فاشیستی شاه که خون مردم را میکید تا خود و هزار فامیلش را پروار کند و اربابان تاج و تختش را راضی نگهدارد، الهام و امید بخش جامعه رخوت زده ایران و خاورمیانه شدند. چریکهای فدائی خلقی که برخی هایشان نظیر **رفیق مسعود احمدزاده** از بنیانگزاران سازمان چریکهای فدائی خلق از خانواده های بسیار مرفهی بودند که با پشت کردن به طبقه بورژوازی قدم در راه رهائیبخش خلق های ایران و ایران گذارده بودند. آنان نه تنها از آگاه ترین فرزندان ایران بودند بلکه به خاطر تحقق آرمانهای والای سیاسی شان که نان را برای همه می خواستند کار را برای همه و مسکن و آزادی را برای همه می خواستند و میهن را رها از غارتگری های امپریالیستهای خون آشام، حتی جان های شیرین خود را فدای اهداف والای خود می ساختند.

چرا امروز فاشیسم سلطنت مجدداً ظهور می کند؟

به طور خلاصه و فهرست وار به برخی از دلایل آن اشاره می شود امید که قلم های بیشتری در این زمینه یاری نمایند. هدف از سرنگونی سرمایه داری تاج و تخت امریکائی انگلیسی، برچیدن تنها بساط غارتگری و جنایتکاری برای شاه نبود، بلکه کوتاه کردن دست امپریالیستها از منابع مختلف چون نفت و منابع انسانی ایران بود که کار را به جایی رسانده بودند که مستشاران امریکائی شهروندان درجه یک ایران بودند. در حالی که فقر در ایران بیداد می کرد و در حاشیه پایتخت فروستان برای لقمه ای نان **هر روزه خون** را می فروختند و خلق هائی چون کرد و بلوچ و لر و ترک ستم مضاعف کشنده ای را متحمل می شدند که آئینه تمام نمای سرمایه داری سلطنت وابسته در ایران بود!

بسیار طبیعی به نظر می رسد که امپریالیستهای مرتجع با سرنگونی نوکردست به سینه شان شاه منافع خود را در خطر دیده و در تدارک ظهور مرتجع دیگری در جهت ادامه راه غارتگری و سرکوب و کشتار کمونیستها و سایر آزادیخواهان برآیند و چنین کردند و تا به امروز هم همگان شاهد هستیم که هر آنچه که شاه فرصت انجامش را نیافته بود همتایان ملایش با همکاری ساواکی های بی همه چیز و ارتش دست نخورده شاهنشاهی که تحویل خمینی داده شد مرتکب شدند و حتی سپاه و بسیج سرکوبگر مورد "تفقده بچه شاه" نیز قرار گرفته اند.

نقش رسانه های امپریالیستی

بنا به ذات ریاکاری و دورغ و تحریف تاریخ رسانه های امپریالیستی شاهد هستیم که چگونه در اتاق های فکری شبکه های تلویزیونی و رادیویی و نشریات امپریالیستی همچون بی بی سی، صدای امریکا و نوظهوران تهوع آوری همچون منوتو و ایران اینترنشنال، که به قول رفیقی دیدنشان توهین به شعور خود است، فرش قرمز زیر پای بچه دیکتاتور پهن می کنند !

به طور مثال یکی از این دست برنامه های بی بی سی فارسی برنامه ای به نام پرکار است با مجری که از صدائی "آرام" برخوردار است که "مخملی ناظم وار" مهمانان برنامه را؛ موافق و مخالف؛ انتخاب می کند تا آنها را به سرمقصدی که می خواهد هدایت کند. ساواکی ها و شکنجه شدگان توسط ساواک را مهمان می کند، به ساواکی ها و تاریخ نگاری که "بی طرفی از گوشه‌هایش حتی بیرون می زند" وقت بیشتری می دهد تا ساواکی بی همه چیزی همچون فراستی بگوید که شکنجه وجود نداشته فقط شلاق بود.... تاریخ نگار "بی طرف" هم که فقط لباس یک سرکوبگر را کم داشته به تأیید آن برآید. یا دو استاد و یا پژوهشگر فلسفه را دعوت کند تا از آنان "اعترافات مخملی به سبک بی بی سی" بگیرد که "سپاهکل مبارزه درست و منطقی نبود". یا این که کامیلیا انتخابی فرد، سردبیر روزنامه ای به نام "ایندیپندنت فارسی" که اسمش خود مایه خنده خواننده این سطور می شود را به همراه شادی امین دعوت کند بگوید که سلطنت طلب ها بسیار "مودب و خشونت پرهیز" با سایر نیروها در خارج و داخل ایران برخورد می کنند و مخالف نظر خود یعنی شادی امین را به قول خود شادی امین در یک فرصت یک دقیقه ای به "مجاهد" متهم کند و حذف! و سر آخر هم با این که وقت برنامه تمام شده اعلام می شود مجری از کامیلیا خانم بپرسد شما چیزی می خواستید بگوئید بفرمائید...

یا صدای امریکا، این تمساح دلسوز مردم ایران و ایران ما، هر روز یک مزدور مثل مسیح علینژاد را مزدبگیر خودش می کند که با بچه دیکتاتور مصاحبه کند و او را در ابتدای مصاحبه "غسل تعمید" دهد که ما را نباید به خاطر پدارنمان قضاوت کنند، به امید این که در کنار بورژوازی ورشکسته و تبهکار ایران، خاندان مفتخور سلطنت قرار بگیرد تا "نان و لقمه" بورژائی کسب کند، البته همانطور که در نوشته بیشتر اشاره داشتم قبل از این که به پله های آخر نردبان

"ترقی" اش برسد بچه دیکتاتور او را به پائین پرتاب می کند. البته افرادی چون مسیح علینژاد که تشنه و شیفته نام و نان هستند، نام و نان بی شرفی اسمش را بگذاریم براننده تر لباس مزدوری شان می باشد، از طبقه فرودستی می آیند که مثل خیلی ها ها پشت به طبقه خود کرده و به ریسمان پوشیده بورژازی خود را وصل می کنند، تا نان خود را در خون طبقه ای که در اصل به آن تعلق داشتند بزنند و با " شادی و هلهله" همانطور که کلیپ های ساخته شده برای این مزدور نشان می دهد بعد هم مهمان برنامه اش کاوه شهروز پادوی پیام اخوان بگوید "امروز که دارند به شاهزاده توهین می کنند انگار که به من و شما توهین می کنند بایستی جلوی اینها ایستاد و اجازه نداد .."

سپس نوبت منو تو ی اسرائیل می رسد، که برای ما "آزادیخواه" شده از کودک کشی رژیم همتایش توسط مجریان برنامه اش سخن پراکنی می کند، اسرائیلی که شهرت جهانی در کشتار ۴۰۰ کودک فلسطینی در عرض دو هفته دارد، بعد مصاحبه با بچه شاه ترتیب می دهد، تا با پوش دادن مصاحبه با این انگل تبهکار به مقاصد پلید خود در آینده برسد .

ایران اینترنشنال که بحق اینترآشغال نام گرفته نیز از سه رسانه دیگر مرجع تر است که علمای دینی عربستان آن تأمین کننده مالی تلویزیون فتوای "حلال بودن گوشت زن در زمان قحطی" را نیز صادر کرده و زنان عربستان از هیچ حقوقی برخوردار نیستند امروز برنامه نویس "آزادی زنان" ما می شوند برای هورا کشیدن برای بچه شاه قاتل ! و مجریان زن آن تمامی باد در دماغ های عملکرد خود می اندازند که مترقی ترین شعار : زن زندگی..ست

مجموعه بالا بخشی از تلاش های مذبحخانه امپریالیستها برای منحرف کردن مبارزات ستمدیدگان، فرودستان و دانشجویان آگاه در ایران است که آن را می خواهند تا سطح "آزادی زن" امیر طاهری سرسپرده سلطنت تقلیل دهند.

تا به حال اما کسی نشنیده که در هیچ کجای جهان کسی و یا نهادی سازمانی **رفیق چه گوارا** را تروریست بخواند! اما وقتی به عقب مانده ترین نوع سلطنت و تفکرات "شبه روشنفکری" در ایران می رسد، وقتی به شاه بزدل و نوکرصفت ایران می رسد، وقتی به بچه شاه مفتخور و مزدور جدید امپریالیستها می رسد ، وقتی به طرفداران سلطنت این بیسوادترین لومپن های فحاش و قلدر می رسد، چه گواراهای ایران می شوند، تروریست! حتی بی بی سی مرتجع هیچ گاه نتوانسته به خود اجازه این را بدهد که چه گوارا را حتی "مخملی" تروریست بنامد اما وقتی به ایران می رسد چریکهای فدائی خلق می شوند تروریست !

وقتی بیرون از زندان اوین، شکنجه و قتلگاه دست ساز شاه زندگی می کنی و به ویژه در خارج از کشور حمله ها و توهین های "درباری" و برخوردهای شعبان بی مخ های هواداران سلطنت و فتوای "زهر خاتم پهلوی مرگ بر چپ و مجاهد" نمی تواند قابل قیاس باشد با زمانی که در زندان اوین حبس باشی و در یک اتاق با شاه الهی هائی روز و شب را سر کنی که گوشه ای از آن را در نامه ای در لینک زیر مطالعه نمائید.

نامه بهاره سلیمانی: "پندار، کردار و گفتار" سلطنت

https://neweshtejat.blogspot.com/2023/01/blog-post_24.html

سؤال من از جنبش کمونیستی ایران است، بخش "وظایف امپریالیستها و رسانه هایشان" در سمت و سو دادن به افکاری (رخوت طلبان) که روز و شب پای این تلویزیونها لم می دهند را همه بخوبی می دانیم، اما اشکالاتی در جنبش کمونیستی ایران نیز وجود داشته که این قلم و قلم های دیگر سالها به آن پرداخته اند، قصد ندارم به سازشکاری برخی از جریانات که چه در قلم چه در تئوری و چه در عمل میدان را برای امپریالیستها و مزدورانشان باز نمودند بپردازم، قصدم این است که آنها را به وجدانشان رجوع دهم به ویژه در این مقطع زمانی که مسیر انقلاب یکی از آموزگاران شایسته ما می باشد که قدری به عملکرد خود بنگریم، مسیری که تجربه های سنگین و گرانبهائی را پیش روی ما قرار می دهد، آیا رفتار های سیاسی شما، موضع گیریهای سیاسی شما؛ در تنگناهای اجتماعی ایران و جهان مطابق با دیدگاه

های صحیح کمونیستی و برآستی در جهت منافع طبقه کارگر و محرومان بوده است؟ مطابق با مواضع درست در جهت رهائی ستمدیدگان بوده؟ اگر نبوده، آیا هیچ گاه این شهادت را داشته اید که در خلوت خود به انحرافات سیاسی تان رجوع، و از خود انتقاد کنید؟ و مواضع خود را تصحیح نمائید؟ آیا زمانی که کمونیست های راستین را چپ و چوله سنتی خطاب می کردید و سرمست بودید که فردا می روید و قدرت سیاسی را در ایران کسب می کنید و میکروفون را جلو دهان طالبان سلطنت قرار می دادید در به وجود آوردن این فضا و این شرایط که فاشیست های سلطنت طلب میداناری کنند و حتی به خود شما برخوردهای سرکوبگرانه داشته باشند سهم نبودید؟ آیا به این دلیل نبوده که برای تعریف خود ابتداء یک تعرض به سازش ناپذیری کمونیست ها پیشین می کردید؟ آیا به این دلیل نبوده که رژیم اشغالگر و فاشیستی اسرائیل، قصاب خلق فلسطین را به رسمیت می شناختید؟ آنچه که جنبش کمونیستی ایران در انقلاب پرشکوه ۵۷ از آن ضربه خورد تنها موج سواری امپریالیستها از طریق ملا نبود، از نفوذ مزدوران تبهکاری چون فرخ نگهدار و همقطارانش در سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق ایران نیز بود. اما شما چرا پشت بند او شدید؟ برآستی وجدانتان آسوده است؟ لازم نبود که آن خط را تأیید کنید، همانطور که لازم هم نبود که به آن تعرض کنید تا وقتی که یک سلطنت طلب به یک کمونیست می رسد بپرسد شما اسرائیل را قبول دارید، بعضی ها قبول دارند؟ اکنون کجا ایستاده اید؟

از سلطنت و اوباش آن هرگز انتظار "انسان دوستی" و احترام به مبارزات کمونیستهای پیشین نمی رود اما از هر آن کسی که خود را هوادار کمونیسم می نامد و خود را آزادیخواه می نامد آیا نباید انتظار داشت که لازم نیست که تأیید کننده خطی شوید که به آن باور ندارید، اما احترام به مبارزه آنان یکی از پرنسیپ های کمونیستی نمی باشد؟ چریکهای فدائی خلق ایران هرگز به **نام و نان** نمی اندیشیدند، زلال بودند و شفاف در نظرات والای سیاسی شان! آنان نسل آفتابکاران بودند نسلی که نان را برای همه می خواستند! به همین دلیل است که تا ابد در قلب روشنفکران، ستمدیدگان و محرومان ایران و جهان جای دارند. همانگونه که رفیق چه گوارا چنین بود و هست!

زنده باد مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک که تنها راه رهائی ستمدیدگان می باشد

صباراهی

۴ بهمن - دلو - ۱۴۰۱

۲۴ جنوری ۲۰۲۳

* - همزمان با درج نامه بهاره سلیمانی از بند زنان اوین نوشته ای در سایت گویا نیوز درج شده با این عنوان شناخته شده: "اعترافات اجباری علیه سلطنت طلبان"! گویا که طالبان سلطنت در بیرون از زندان اوین حتی در خارج از ایران، گردار، گفتار و پنداری متفاوت از آنچه که بهاره سلیمانی در نامه خود بدانها اشاره دارد، می باشند. به همین دلیل لازم دانستم که چند کلیپ را از "گفتار و رفتار و پندار سلطنت" در خارج از ایران را در این نوشته منعکس کنم. اگر چه برخی از کلیپ ها بسیار مشمیزه کننده است اما اسناد تاریخ فرهنگ سلطنت می باشند.